

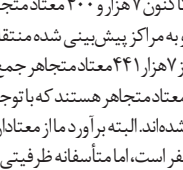
پول مفت فساد می‌آورد



دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: پول قاچاق و مفت هر کجا برود فساد می‌آورد و فرقی نمی‌کند که در کدام حوزه اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد شود. عبدالرضا رحمانی فضلی در نشست دبیران شورای مبارزه با موادمخدر افزود: دبیران شورا باید مبارزه کندو کسی می‌تواند مبارزه کند که خودش مبارز باشد و کسی می‌تواند مجاهدت کند که مجاهد باشد، بنابراین جلسه بگذارد و از دستگاه‌های اجرایی بخواهد حضور پیدا کنند و اگر کسی همکاری نکرد، گزارش بدهید پر خود می‌شود و اگر هم دستگاهی خوب کار کند تشویق کنید. وی ادامه داد: اجتماعی کردن مبارزه با موادمخدر را جدی بگیرید و با مردم از تباط داشته باشید و برای اجتماعی کردن با اقشار مختلف باید جلسه بگذاریم و تشریفاتی بر گزار کردن جلسه فایده‌ای ندارد. در حوزه مبارزه با موادمخدر، مکتبله همچنان اولویت یک ماست و باید در مرزا قطع شود و مقابله صورت گیرد و در مناطق مرزی نیروها خوب عمل می‌کنند، بنابراین در حوزه مقابله نیز بهترین کار و اولویت این است که کار اطلاعاتی صورت گیرد و کار اطلاعاتی هم قدرت و هم سرعت شما بالا می‌رود و هزینه‌ها نیز کم می‌شود. وی گفت: اکنون نگاه مردم به اعتیاد در جامعه فرق کرده و اکنون که فرق کرده است باید ساماندهی کنیم که مردم در این حوزه مشارکت کنند، البته آن مقدار که نگاه و آگاهی مردم در حوزه موادمخدر افزایش پیدا کرده، مشارکتشان افزایش پیدا نکرده است باید در این حوزه بیشتر کار شود.

ضرورت تخریب خانه‌های فساد در شوش و هرندی

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ‌با تأکید بر ضرورت تخریب خانه‌های فساد در محله‌های شوش و هرندی گفت: اگر معاندان را از این مناطق بیرون کنیم به آسمان نمی‌روند، بلکه به سرهنگ محمد بخشنده به اینا گفت پلیس از اواخر سال گذشته



تأکید ۴۰۰ معتاد متجاهر از سطح شهر تهران جمع‌آوری و به مراکز پستی پینی شده منتقل کرده‌است. وی ادامه داد: ۱۶۷ نفر از ۷۲ هزار ۴۱۱ معتاد متجاهر جمع‌آوری شده از سطح شهر تهران زنان معتاد متجاهر هستند که با توجه به ظرفیت‌های موجود جمع‌آوری شده‌اند، البته برآورد ما از معاندان متجاهر زن در تهران بیش از هزار نفر است، اما متأسفانه ظرفیتی که برای نگهداری از این زنان ایجاد شده ۱۶۷ نفر است بقیه این زنان در کمپ‌های مجاز و غیر مجاز و... حضور دارند، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ با بیان اینکه معتقدیم در برنامه‌های جمع‌آوری معتادان، پلیس نباید ورود کند، تصریح کرد: اگر معتاد را بیامر می‌دانیم، پلیس نباید ورود کند و سازمان‌های دیگر مانند بهزیستی، شهرداری، وزارت بهداشت باید وارد عمل شوند و پلیس در حمایت و پشتیبانی از این سازمان‌ها وارد شوند. پلیس چون با ایباس نظمی است و برای دستگیری می‌رود بازتاب بدی در نزد معشاندان دارد، در حالی که باید برای جمع‌آوری معتادان متجاهر مددکاران در میدان شوند و معتادان و خانواده‌هایشان را تحت حمایت قرار دهند.

سرهنگ بخشنده گفت: در مناطق شوش، هرندی، مولوی بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ خانه فرسوده و قدیمی وجود دارد که در داخل هر کدام از این خانه‌ها بیش از ۲۰ اتاق وجود دارد، از شهرستان‌ها افرادی به تهران می‌آیند و با اتاق را در این خانه‌ها به قیمت ۵۰ الی ۶۰ هزار تومان اجاره می‌کنند و بیش از ۱۰ نفر شب‌ها در آنجا می‌خوابند و متأسفانه اکثر این افراد معتاد، دزد یا دستفروش هستند و سؤال این است آیا این خانه‌ها ساماندهی شده‌است؟

وی با طرح این پرسش که آیا شهرداری تاکنون در این زمینه اقدامی کرده‌است؟ تصریح کرد: این سبتر جرم باید از بین برود، اما همه نهادها مسئولیت خود را فراموش کرده‌اند و فقط از پلیس می‌خواهند، این مکان‌ها را جمع‌آوری کنند، پلیس چه کاری می‌تواند انجام دهد. جمع‌آوری این خانه‌ها براساس کار صرف پلیسی نیست و باید همه نهادها کمک کنند. وی ادامه داد: تا بافت جغرافیایی نامگون در این منطقه وجود داشته‌باشد، این معضلات نیز وجود دارد. معتقدم شهرداری باید با مجوز قضایی این منازل را که منبع فساد است، تخریب کنند. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ خاطر نشان کرد: اگر معتادان را از مناطق شوش و هرندی بیرون کنیم به آسمان نمی‌روند، بلکه به منطقه دیگری کوچ می‌کنند. نمی‌توانیم که معتادان متجاهر را از شهر بیرون کنیم و در بیابانی اطراف تهران رها کنیم، پس حقوق شهروندی چه می‌شود؟ از همین‌رو برای برطرف کردن این معضل و ساماندهی مناسب معتادان متجاهر با هم تأکید می‌کنم، همه دستگاه‌های مسئول باید به میدان آمده و به پلیس در این زمینه کمک کنند.

۹۳ زخمی در زمین لرزه یاسوج

رئیس مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی کهگیلویه و بویراحمد گفت: زمین لرزه با داماد دوشنبه شهرستان های یاسوج، سی سخت و چیتاب ۹۳ زخمی بر جا گذاشت.
جلاچ پوران فرات گفت: زمین لرزه ۴/۸ ریشتری بامداد دوشنبه ساعت ۱:۱۵ جلاچ تلفات جانی نداشته و هنوز بررسی میزان خسارت‌های مالی آن نهایی نشده است. وی ادامه داد: لحظاتی بعد از حادثه امدادگران در محل حاضر شده و ۹۳ نفر را که دچار جراحات شده بودند به بیمارستان منتقل کردند.



فروشنده مواد مخدر که در باتوق معتادان، مأمور پلیس را به شهادت رسانده‌است، بار دیگر محاکمه شد و جرمش را انکار کرد. به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از نیست و هشتم مهر سال ۹۳ با شهادت سروان محمد جلال کاشانی – مأمور کلانتری فرزداران – آغاز شد. در تحقیقات مشخص شد، سروان کاشانی هنگام گشت‌زنی در حاشیه و فضای سبز بزرگراه حکیم هدف شلیک گلوله فروشنده مواد مخدر قرار گرفته و جانش را از دست داده است. با شهادت مأمور پلیس تلاش برای ردیابی عامل حادثه که مردی ۲۰ساله به نام موسی بود آغاز شد اما شواهد نشان می‌داد فر مظنون به مکان نامعلومی گریخته است.

سه ماه از این ماجرا گذشته بود تا اینکه پلیس در تحقیقات خود موفق به ردیابی موسی در خانه پدری‌اش در ملک آباد کرج شد و در یک عملیات ویژه در ۳۰م‌ه‌ای همان سال بازداشت شد. در بازسی از خانه پدری او مقدار زیادی مواد مخدر و چندین فشنگ جنگی کشف شد. متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت، اما جرمش را انکار کرد و گفت بی‌گناه است. با انتشار خبر بازداشت متهم در رسانه‌ها دختر و پسر جوانی به عنوان شاهد ماجرا به اداره پلیس رفتند. دختر جوان در توضیح به مأموران گفت: «آن شب با نام‌زدم در فضای سبز قدم می‌زدیم که صدای شلیک چند گلوله شنیدیم. همان موقع مرد قد بلندی را دیدیم که یک کلاه نقابدار روی سرش داشت. او یک کیسه مشکوکی را بین شمشادها جاسازی کرد و بعد به سرعت محل را ترک کرد. آن شب متوجه شهادت مأمور پلیس نشدیم تا اینکه از طریق رسانه‌ها فهمیدیم به همین دلیل تصمیم گرفتم به اداره پلیس نیایم و آنچه را دیده‌ام بگویم.»

حجوادان

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

درخواست قصاص دوباره برای عامل شهادت مأمور پلیس



بعد از این توضیحات بود که در مواجهه حضوری دختر جوان، موسی را در میان چند متهم شناسایی کرد و گفت این همان مرد قد بلندی بوده که آن شب وی را دیده است. آنجا بود که متهم در بازجویی‌های بیشتر به قتل اعتراف کرد و گفت: «پسر دایی‌ام مواد فروش است و روزانه ۵۰هزار تومان به من می‌داد تا در فضای سبز حاشیه اتوبان حکیم که باتوق معتادان و خریداران مواد مخدر است کشیک بدهم. آن شب نیز مراقب اطراف بودم تا اینکه مأمور پلیس به من نزدیک شد و مجبور شدم شلیک کنم تا بتوانم فرار کنم.»

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم، متهم در جایگاه حاضر شد، اما جرمش را انکار کرد و در دفاع از خودش گفت آن شب به مأمور پلیس تیراندازی نکرده و تحت فشارهای بازجویی به قتل اعتراف کرده‌است. در پایان متهم به قصاص محکوم شد، اما حکم دادگاه با اعتراض متهم به رأی دادگاه در یکی از شعبات دیوان نقض و برای رفع نقص به همان شعبه ارجاع داده شد.

به این ترتیب پرونده صبح دیروز روی میز هیئت قضایی همان شعبه، به ریاست قاضی واعظی قرار گرفت و بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم بار دیگر درخواست قصاص کردند. سپس نماینده ناجا که در دادگاه حضور داشت در خصوص انکارهای متهم و نقض حکم صادره گفت: «با توجه به اظهارات دختر جوانی که مدعی بود موسی برادر مخفی شدن از او کمک خواسته‌همچنین اظهارات خواهر متهم که گفته بود موسی نزد دایی‌اش به قتل مأمور پلیس اقرار کرده‌است و اقرار خود متهم در بازسازی صحنه جرم، همه این شواهد و مدارک مشخص می‌کند او عامل شهادت محمدجلال کاشانی است.»

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت، اما بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: «باور کنید آن شب من دست به اسلحه نزنم و به مأمور پلیس شلیک نکردم همه اظهاراتم تحت فشارهای بازجویی بوده است.»

وی در پاسخ به سؤال قاضی درباره پیامک‌های او به دختر جوان که از او کمک خواسته بود، گفت: «من از دختر جوان ۲۰۰میلیون تومان پول طلب داشتم و او پولم را پس نمی‌داد. وقتی از مواد فروشان شنیدم که یک مأمور پلیس کشته شده است به دروغ به دختر جوان پیامک فرستادم و گفتم من مأمور پلیس را کشته‌ام تا او بترسد و پولم را پس بدهد.»

در پایان جلسه هیئت قضایی وارد شور شد تا رأی صادر کند.

سقوط مرگبار دختر ۱۷ساله از طبقه نهم

دختر نوجوان به طرز مرموزی از طبقه نهم ساختمان مسکونی در شرق تهران به حیاط سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹صبح دیروز قاضی مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل داندسرای امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران کلانتری افسر به مرگ مشکوک دختر جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که حیاط ساختمان مسکونی مرتفعی بود با جسد دختر ۱۷ساله‌ای به نام نیوشا روبه‌رو شدند که بررسی‌ها نشان می‌داد از طبقه نهم خانه‌شان به داخل حیاط سقوط کرده و در دم جان باخته است. بررسی‌های میدانی حکایت از این داشت دختر فوت شده لحظاتی قبل از حادثه با مادرش مشاخره لفظی داشته و پس از آن خودش را از بالکن خانه‌شان به داخل حیاط پرتاب کرده است. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد دختر جوان به دستور قاضی مدیر روستا برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.

کشف عتیقه‌های قبل از اسلام در قائم‌شهر

قطعه شی تاریخی مربوط به دوره ما قبل اسلام از مخفیگاه سه قاچاقچی عتیقه در شهرستان قائم‌شهر کشف شد. سردار سعید محمود میرفیضی، فرمانده انتظامی استان مازندران گفت: مأموران پلیس شهرستان قائم‌شهر با بررسی گزارش‌های مردمی راهی مخفیگاه سه متهم شده و همزمان با دستگیری آنها ۴۶ قطعه شی عتیقه و تاریخی مربوط به ما قبل اسلام را کشف کردند.

مرگ کودک و مرد میانسال در استخر آب

یک کودک ۹ساله و یک مرد میانسال در جریان دو حادثه جداگانه در استخر آب کشاورزی غرق شدند.

در جریان اولین حادثه که دو روز قبل در روستای فارفار شهرستان مردن اتفاق افتاد پسرپنجه ۹ساله به علت نامشخصی به داخل استخر آب کشاورزی سقوط کرده و غرق شد. پدر کودک بعد از مراجعه به باغ جسد کودک را از آب خارج و با کمک امدادگران به بیمارستان منتقل کرد اما طفل به علت غرق شدگی جانم را از دست داده بود. در جریان حادثه‌ای دیگر مردی ۵۰ساله در روستای کفی الملک شهرستان شیبستر به علت بی‌احتیاطی به داخل استخر آب کشاورزی سقوط کرده و غرق شد. امدادگران اورژانس بعد از اطلاع از وقوع حادثه در محل حاضر شده و پیکر مرد میانسال را به بیمارستان منتقل کردند اما پزشکان مرگ وی را تأیید کردند.

||| سمشنه ۱۸ دئیهشت ۱۳۹۷ | ۲۱ شعبان ۱۴۳۹ |

انتقام خونین از مرد معروف به تيمسار به خاطر يك توهم



مرد معروف به تيمسار با ضربات چاقوی مرد همسا به‌شان در غرب تهران به قتل رسيد. متهم که در سلامت روانی اش تردید است تا آمدن پلیس در محل حادثه منتظر ماند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۷ روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه امسال اهالی خیابان باران در حوالی بلوار تعاون شهر زیبا متوجه صدای دلخراشی از داخل خیابان شدند و سراسیمه به داخل خیابان آمدند. مردی در حالی که دو چاقو به دست داشت پس از زخمی کردن دو مرد میانسال عریض‌کشان به دنبال آنها می‌دوید تا دوباره آنها را با چاقو مورد ضرب و جرح قرار دهد. دو مرد زخمی که یکی از آنها صاحب بنگاه املاکی در آن نزدیکی بود و دیگری هم از ساکنان خیابان و مالک مغازه املاکی بود خونین در حال فرار بودند که مرد چاقو به دست نایه‌هایی بعد که هنوز اهالی خیابان به او نرسیده بودند مرد همسایه را جلوی مغازش گرفت و با چاقو چند ضربه دیگر به بدنش وارد کرد. رگدگدران و اهالی خیابان در حالی که با دیدن این صحنه دلخراش مات و مبهوت مانده بودند مرد ضارب را دستگیر کردند و بلافاصله موضوع را به اداره پلیس خبر دادند. با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۳ شهزبیار محل حاضر شدند. مأموران داخل خیابان با جسد خونین مرد ۵۶ساله‌ای معروف به تيمسار روبه‌رو شدند که باصابت ضربات متعدد چاقو به کلم مرگ‌رفته بود و کمی آنطرف‌تر با پیکر خونین مرد بنگاهدار روبه‌رو شدند که باضربه چاقو زخمی شده بود. همزمان با انتقال مرد زخمی به بیمارستان و دستگیری ضارب مأموران حادثه خونین را به قاضی مرادی بازریس ویژه قتل داندسرای امور جنایی اطلاع دادند و لحظاتی بعد تیم جنایی در محل حاضر شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد ضارب از ساکنان مجتمع مسکونی همان نزدیکی است و مقتول هم صاحب مغازه املاکی است که مغازش را به مرد میانسالی که در این حادثه زخمی شده بود اجاره داده است و خودش همراه خانواده‌اش در همان مجتمع مسکونی زندگی می‌کنند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه متهم برای بازجویی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت تا اینکه صبح دیروز برای ادامه تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. متهم پس از اعتراف به قتل مرد همسایه و زخمی کردن مرد بنگاهدار مدعی شد که به خاطر کینه قدیمی دست به این جنایت زده است و گفت که آنها سال‌هاست افرادی را برای اذیت آزار او اجیر کرده بودند و چند باری مردان اجیر شده او را تنگ زده‌اند تا اینکه تصمیم به انتقام سخت می‌گیرد. متهم در ادامه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

کمال هستم ۲۸ سال سن دارم.

به چه کاری مشغول بودی؟

با پرلیدم مسافر کشی می‌کردم.

سابقه داری؟

نه.

معتادی؟

نه.

چند سال در آن مجتمع زندگی می‌کنی؟

از سال ۸۸ خانه برادرم را در آن مجتمع اجاره کردم و تا الان به صورت مجردی زندگی می‌کنم.

چرا تصمیم به قتل گرفتی؟

من از آنها کینه به دل داشتم. چند سال است که آنها مرا اذیت می‌کنند. حتی افرادی را هم اجیر کرده بودند تا مرا تنگ بزنند. روز حادثه هم قصد داشتم هر دوی آنها را به قتل برسانم، اما یکی از آنها چال ساله به در برد.

قبل از این حادثه با آنها درگیری هم داشتی؟

بله.

چرا؟

تیمسار که صاحب مغازه املاکی بود هر چند وقت یک‌بار دکوراسیون مغازش را به خاطر تغییر به افراد مختلفی مانند ساندویچی، عکاسی، املاکی و... اجاره می‌داد تغییر می‌داد به طوری که همیشه برای من مزاحمت ایجاد می‌کرد و احتمال می‌دادم با تعمیرات همیشگی او خلع‌تخریب می‌شود. به همین دلیل چندباری با او و مستأجرش که همان املاکی بود مشاخره لفظی کرده بودم.

یعنی برای همین موضوع فکر می‌کردی آنها افرادی را برای آزار دادن شما اجیر کرده‌اند؟

بله، اما تنها این موضوع نبود.

بیشتر توضیح بده؟

یکی از برادرهایم هم‌راهن و فرزندش در هلند زندگی می‌کردند تا اینکه چند سال قبل به ایران برگشت اما برادر این معتاد شد و همسرش از او جدا شد. پس از این او در حوالی کرچ خانه‌ای مجردی اجاره و زندگی می‌کرد و من هم هر چند ریزکار بودم به او سر می‌زدم و برای او خوراک و پوشاک می‌بردم و در واقع از نظر مالی کمکش می‌کردم. فردین سال ۹۲ یکبار که به بددینش رفتم متوجه شدم همسایه‌ها و او را تنگ زده‌اند و به او گفته‌اند باید خانه‌اش را تخلیه کند. چندروز بعد که دوباره به دین برادرم رفتم متوجه شدم که او نایبید شده‌است. مدتی همراه برادران دیگرم به دنبال برادر گم شدم. گشتم، اما خبری از او پیدا نکردیم تا اینکه از طریق همسایه متوجه شدم تیمسار و مرد بنگاه‌دار مردی را اجیر کرده تا برادرم را برابند.

چرا شکایت نکردی از آنها؟

برادرتم می‌گفتند من خیالی‌امی می‌کنم و اجازه ندادند شکایت کنم.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

روژ ۲۹فوردین امسال برای هواخوری به پارک گفتگو رفته بودم که دو مرد قوی هیکل مرابه شکت کنند زدنند آنها گفتند که از طرف مرد بنگاه‌دار اجیر شده‌اند. آنقدر مرا تنگ زدند که انگشتان شکست و بی‌هوش شدم. وقتی هوش آدم تصمیم گرفتم در اولین فرصت آنها را به قتل برسانم. به همین دلیل همان روز دو چاقو مارکنار از دو نفر دستفروش خریدم. پس از آن هر روز چاقوها را به صورت باز همراه خودم داشتم تا اینکه روز حادثه از خلع‌ام بیرون آمدم تا خودورام به مسافر کشی بروم. قبل از سوار شدن در حال بردن نایلون زباله به طرف سطل زباله بودم که تیمسار و مرد بنگاه‌دار از مغازه بیرون آمدند. همان لحظه احتمال دادم آنها قصد اذیت مرا دارند که با چاقو از پشت تیمسار را گرفتم و ضربه‌ای به گلویش زدم و بعد هم ضربه‌ای به مرد بنگاه‌دار زدم. در حالی که تمام بدنشان خونین شده بود فرار کردند که دوباره تیمسار را گرفتم و چند ضربه دیگر زدم. قصد داشتم چند ضربه دیگر هم به مرد بنگاه‌دار بزنم که همسایه‌ها و رگدگران ملع من شدند.

چرا فرار نکردی؟

من انتقام گرفتم و قصد فرار نداشتم.

پشیمانی؟

نه.